

مسعود فرهادی طراح، نقاش، مجسمه‌ساز و شاعر

7 اسفند 1398

مسعود فرهادی طراح، نقاش، مجسمه‌ساز و شاعر متولد ۱۳۲۷ در شهر تهران است و از زمان نوجوانی در زمینه طراحی و نقاشی و مجسمه‌سازی کار خود را آغاز و در این زمینه به مطالعه و پژوهش می‌پرداخت.



مسعود فرهادی طراح، نقاش، مجسمه‌ساز و شاعر متولد ۱۳۲۷ در شهر تهران است و از زمان نوجوانی در زمینه طراحی و نقاشی و مجسمه‌سازی کار خود را آغاز و در این زمینه به مطالعه و پژوهش می‌پرداخت. در همان دوران نوجوانی در فستیوال‌ها و مسابقات گوناگون برنده جوایز بسیاری شده بود و استعداد این نوجوان همواره مورد تحسین گروه‌های مختلف بود. پس از آن وارد دانشگاه هنر و در رشته طراحی و مجسمه‌سازی فارغ‌التحصیل شد و سپس در رشته حقوق نیز به مطالعه و پژوهش پرداخت. ایشان فعالیت هنری خود را به صورت حرفه‌ای در سال ۱۳۴۷ آغاز و در زمینه‌های طراحی، نقاشی، مجسمه‌سازی و طراحی لباس ادامه داد و کارگاه صنایع‌دستی را در تهران راه اندازی نمود و آثاری بسیار زیبا و نفیس و ماندگاری را تولید و در گسترش طرح‌های اصیل و صنایع‌دستی ایرانی بسیار تلاش کرد، همچنین در سازمان صنایع‌دستی که کار احیا فرآورده‌های صنایع دستی ایران بود همکاری تحقیقی و اجرایی داشت. ایشان بازسازی موتیف‌های اصیل ایرانی را که از یاد رفته بود، احیا نمود که منجر به پدیدآوردن آثاری شد که در نمایشگاه‌های جهانی از قبیل توکیو، ازمیر ترکیه، مونترال کانادا و پاریس به نمایش درآمد. اولین نمایشگاه ایشان نیز در بینال پاریس برگزار کرد. او در سال ۱۳۶۷ در شهر کرج آموزشگاه هنرهای تجسمی خود را با نام هنری "ابروکمون" (با لوگوی خورشید خانم) تأسیس نمود و در زمینه طراحی و نقاشی و مجسمه‌سازی به آموزش علاقمندان و هنرجویان پرداخت. او در بخشی از صحبت‌های خود در مورد هنرهای تجسمی می‌گوید: قصه این است که مفهوم هنرهای تجسمی را روشن کنیم. هرگاه ما بتوانیم اندیشه‌های خوب و جلا یافته‌ی خود را به هر صورتی بیان و یا عرضه نماییم می‌شود وارد عرصه هنر شویم. نمی‌شود نه اندیشه‌ای داشته باشیم و نه بتوانیم اندیشه‌ای را بیان کنیم و نام هنرمند بر روی خود بگذاریم. نه اقتباس نه تکرار نه تقلید و نه انتخاب و اعمال سلیقه در جهان هنر به کار نمی‌آید. حتماً باید علم و اندیشه‌ای لایق عرضه داشته باشیم و دانش طراحی را بیاموزیم، در غیر این صورت هیچ اتفاقی نمی‌افتد.



برگزاری ورکشاپ‌های هفتگی و ماهانه با هنرجویان و علاقه‌مندان از برنامه‌های ثابت ایشان بود. فرهادی در بخشی از گفته‌های

خود در مورد طراحی و کار هنری می‌گوید: طراحی، دستور زبان و یک برنامه‌ریزی مقدماتی برای کلیه هنرهاست نه خود هنر. محصول هنری باید در تمام امور زندگی دخالت داشته باشد، از جمله احیا فرهنگی، تمدن‌سازی، آرامش‌بخشیدن افکار پربیشان و تشویق جامعه به پویایی. هنرمند باید تا حد امکان با مسائل روز آشنا باشد تا بتواند حرف و پیام جدید عرضه کند. چرا که حرف تکراری و آثار تقلیدی شاید زیبا شود ولی هنر نیست. همچنین در مورد شیوه طراحی می‌گوید: روش‌های کهنه مانند کپی‌کاری از روی کاسه و کوزه و تقلید و بازسازی آثار دیگران، کپی از روی عکس‌ها و تصاویر و یا تقلید از روی مدل زنده و طبیعت بیجان و این قبیل حرکات سرگرمی و بدآموزی است که به طراحی ربطی ندارد. طراحی را باید به صورت علمی و عملی آموخت چرا که ریشه و پایه تمام فعالیت‌های هنری است. ما به آموزش نیاز داریم که با تکیه بر تکنیک‌ها و فنونی که هماهنگ با امکانات مدرن امروزی است توانایی هنری خود را بالا ببریم که بتوانیم اندیشه و تفکراتی که محصول روحیه و تراوشات ذهن خود ما را مطرح کنیم و نه تکرار مسائل قدیمی. ایشان در جمع هنرجویان و علاقه‌مندان ورکشاپ نیز بر اهمیت کار هنری تاکید کردند و گفتند: در آتلیه طراحی هنر جوان می‌آموزند چگونه با فراگیری تکنیک‌ها و فنون امروزی و به‌کارگیری تحقیقات و تمرین‌های پیوسته، بتوانند از افکار و اندیشه خود در طراحی و تصویرسازی مقبول استفاده نمایند. چه بسا ایده‌های بسیار ساده و ابتکارات ابتدایی که از تراوش‌های ذهنی ما حاصل می‌شود، که اگر سبز شود و به یادمان بماند در مرحله عملی می‌تواند راهنمای فعالیت‌های هنری ما شود. در این مسیر پی خواهیم برد ما هم می‌توانیم با راهگشایان بزرگ تمدن بشری همگام شویم. از آنجا که مفهوم طراحی و به‌طور کلی هنر بسیار وسیع، جذاب و سرشار از پیچیدگی‌هاست، موجب می‌شود، کسانی که تجربه و یا حتی مطالعاتی در زمینه کارهای هنری ندارند و بدون اینکه به مختصات یک محصول هنری پی برده باشند، خود را در سلک هنرمندان قرار دهند. من فکر می‌کنم دوستدار هنر و یا خریدار اثر هنری بودن امریست طبیعی، زیرا اشراف داشتن به هماهنگی و لطافت و زیبایی که در ذات هنر است، ما را شیفته آن می‌کند.



آیا می‌توان به تعبیر گروهی که هنرمند را به‌طور مطلق، نابغه و یا شخصی ممتاز که هنر را به ارث برده باشند تصور کنیم؟ اما هنر مانند تمام علوم بشری آموختنی و اکتسابی است و احتیاج به شرایط و زمین [تکمیل] کامل و ظهور و بروز دارد. در نتیجه تابع قوانین علمی است و برآیند فرمول‌های دقیق و حساب شده است، در غیر این صورت هنر به صورت یک حالت بی روح و رخ در می‌آید و پدیده‌ای استاتیک و متروک خواهد شد. در صورتی که این هنر بوده و هست، که در طول تاریخ به آسایش و آرامش بشر پرداخته و تمدن‌ساز و چاره‌اندیش بوده است. بیایید هنر را کلیشه‌ای، باسما‌ی، تکراری و بی‌روح نسازیم و اگر تحولاتی حس می‌کنیم باید متحول شویم. دیگر موردی ندارد هنر و هنرمند را حقیر شماریم. هنگامی که محصولات بی‌محتوا و خنثی را با لعابی از هنر تزئین می‌کنیم و بیهوده به اتفاقات تکراری و بی‌ارزش اعتبار هنری می‌دهیم، غافلیم از اینکه اندیشمندان و آنان که لطیف فکر می‌کنند، با یک نگاه حتماً به کم و کیف کار پی خواهند برد. به استقبال زیبایی برویم، نهاد هنر در فطرت همه هست. هنر درخت باور و سرشاری است پرنشاط که ریشه دارد، فصول را می‌شناسد و طبیعت را درک می‌کند. زندگی‌ساز است و همه جا را آباد و برقرار می‌خواهد و زبان هنر به دل می‌نشیند. چشم می‌خواهد زیبا ببیند، زبان می‌خواهد خوب و بد را روان بیان کند، گوش به دنبال نغمه‌های روح‌افزا و گفتار نیک است. من فکر می‌کنم که کار هنری این است که مانع دل‌نگرانی، دلواپسی، دلگیری و از این قبیل عارضه‌ها شود. استاد با تسلط بر دانش طراحی و چیرگی بر اصول فضا‌سازی و شناخت رنگ‌ها، در زمینه‌های بسیاری فعالیت می‌کردند و آثار مختلفی با متریال‌های چوب، پارچه، فلز و گچ را با شناخت دقیق خصوصیات و متدهای آن انجام می‌دادند. ایشان در ساخت برخی بناهای ایرانی طراح و یا مشاور بودند. ایشان در معماری، دکوراسیون و فضا‌سازی نیز متبحر بودند و با یک تفکر ایرانی بنا به شرایط و زمان به صورت کلاسیک و مدرن آثار خود را در همه زمینه‌ها به وجود می‌آوردند. نقوش برجسته، فرسک دیواری، مجسمه‌هایی از سنگ، گچ، برنز و همچنین مشاوره و کارشناسی آثار قدیمی و احیای آن از جمله فعالیت‌های فرهادی بود. فرهادی در بهمن ۹۸ در منزل شخصی خود در کرج چشم از جهان فرو بستند و روز شنبه ۲۶ بهمن در قطعه هنرمندان بهشت سکینه استان البرز برای همیشه آرام گرفتند.